



در محضر بزرگان

این روز ها درون خانه سیاهی بزنید

حاج محمد اسماعیل دولابی در توصیه هایی به خانواده ها در ایام شهادت امه(ع) به خصوص امام حسین(ع) گفته اند: «در ایام سوگواری اهل بیت علیه السلام و به خصوص امام حسین علیه السلام چند شب درون خانه تان پرچم یا پارچه سیاهی بزنید و لباس سیاه به تن بچه ها بکنید. دور هم بنشینید و خودتان چند بیت از همان نوحه های ساده قدیمی بخوانید که به فطرت نزدیک تر است و باهم سینه بزنید. آن وقت ببینید خدا و اهل بیت علیه السلام از فضل و عنایت با شما و خانواده تان چه ها می کنند.» مصباح الهدی، ص ۳۰۶

داستان واقعی

اسیر ایرانی، الگویی برای عراقی ها!

«احمد یوسف زاده» در جریان اسارت در زندان های رژیم بعثی درباره شجاعت نوجوان های ایرانی خاطره ای جالب نقل می کند:«هرچه غیبت منصور طولانی تر می شد، اضطراب ما هم بیشتر می شد. چند دقیقه بعد در زندان باز شد و منصور در حالی که می خندید، آمد داخل. دوره اش کردیم و همه با هم پرسیدیم: «چی شد منصور؟» گفت: «هیچی بابا! یه خانواده عراقی رو کمپلت آوردن زندان. پسر بزرگ شون ترسیده بود. هی می لرزید و گریه می کرد. فرمانده عراقی من رو برد و نشونش داد. یکی زد توی سرش و بهش گفت: «گاو گنده! این بچه ایرانی ۱۲ سالشه. ۹ ماه هم هست که اسیره. همیشه هم داره می خنده. اون وقت تو با این هیکل خجالت نمی کنی؟ بدون این که کسی کتک بزنه، داری گریه می کنی؟ پسره وقتی این رو شنید گریه اش بند اومد!» برگرفته از کتاب «آن بیست و سه نفر، صفحه ۲۴۸

یادبود



برنده نوبل ادبیاتی که خودش را مدیون خیام می داند

«تی اِی الیوت» با نام کامل «توماس استرنز الیوت»، شاعر، نمایش نامه نویس، منتقد ادبی و ویراستار آمریکایی-بریتانیایی است. سبک بیان، سرایش و قافیه پردازی وی، زندگی دوباره ای به شعر و ادبیات انگلیسی بخشید در حدی که او را به عنوان برترین شاعر انگلیسی زبان در زمان خود می شناسند و در سال ۱۹۴۸ جایزه نوبل ادبیات را به او اهدا کردند.

خیام باعث کشف ذوق شاعرانه ام شد

خودش می گوید: «در سن چهارده سالگی به طور اتفاقی، رباعیات خیام را خواندم و اشعار این شاعر برجسته ایرانی باعث شد ذوق و هنر شاعرانه را در خود کشف کنم. من بیش از زیادی از جهان بینی و طرز تفکر خودم را از خیام، الهام و تاثیر گرفته ام و یک شعر هم بعد از خواندن رباعیات او گفته ام: «ای خدا / ای ناهید / ای بخشنیده رزق و روزی / به من یک دکه کوچک سیگار فروشی عطا کن / بایک حرفه دیگر نصیب من ساز / جز این پیشه لعنتی، نوشتن / که همواره باید / شعور و خرد / سرمایه کارش باشد.

چند جمله به یادماندنی از او

• گذر زمان این را به من موخت که آدم ها معمولا چیزهایی را از دست می دهند که از داشتن شان مطمئن هستند.
• شعر ناب، می تواند پیش از این که فهمیده شود پیام خود را برساند.
• عجیب است که کلمات این قدر ناکافی هستند. با این حال مانند فرد مبتلا به آسم که برای تنفس تقلا می کند، عاشق هم باید برای کلمات تقلا کند.
• تلویزیون وسیله ای است برای سرگرمی که به میلیون ها نفر مجال می دهد که همزمان به یک چوک گوش دهند و با این حال تنها بمانند. منبع: ایبنا/خبرگزاری کتاب/وبرترین ها

داستانک

عشق پدر انه!

دیشب دخترم با ناراحتی گفت یکی از ماهی هام تو آکواریوم حرکت نمی کنه. خیلی نگرانشم. یعنی ممکنه چی کارش شده باشه.
گفتم: نگران نباش دخترم، ماهی ها هم شب ها می خوابند، تو هم بخواب.
امروز صبح قبل از این که بیدار شود، ماهی دیگری برایش خریدم.

جام جم آنلاین

اندک صبر

مهری مهر!

تو نبودی
و اولین روزهای مهرم
بی مهر
گذشت
ابوالفضل کیلی

دنیابه روایت تصویر



چالش تمرین یوگا روی صخره ای از کوه چینگیاو در استان هنان چین، عکس از شینهوا

دور دنیا

در دسر عروس برای دانش آموزان!



آدیتی سنترال/ زن و شوهر سریلانکایی برای حمل دنباله بلند لباس عروس از ۲۵۰ دانش آموز استفاده کردند! این زوج برای حمل لباس در ساعات درسی از دانش آموزان استفاده کرده اند و اداره آموزش این کشور اعلام کرده که این کار خلاف قوانین بوده است و خلافکاران به ۱۰ سال زندان محکوم خواهند شد.
ظاهرا دنباله لباس این عروس دو مایل (بیشتر از ۳ کیلومتر) و یکی از بلندترین دنباله های لباس عروس بوده است و چاره ای جز استفاده از دانش آموزان برای حمل آن نبوده است.

تنبیه متفاوت ر اننده خاطی!



خودرو مقابل خانه خود کلافه شده بود و می خواست کاری کند تا حواس دیگر راننده ها هم به پارک نکردن در جلوی خانه اش جلب شود، روی ماشین خاطی را با چسب پوشاند. علاوه بر خراب کردن رنگ ماشین، کندن این میزان از چسب، ساعت ها وقت راننده خاطی را خواهد گرفت.

زنی که ۷۸ سال آب نخورده!



بی بی سی/ یک زن ۹۲ ساله هندی ادعا می کند که از ۱۴ سالگی آب نخورده است. «ناراساما» هرگز احساس تشنگی نمی کند و بدن او با دو فنجان قهوه که هرروز می خورد به خوبی کار می کند. ظاهرا وقتی او ۱۴ ساله بوده یک بیماری عجیب گرفته که باعث شده است گلویش به شدت خشک شود و روزانه تا ۱۰ لیتر آب می خورده است. والدینش که ترسیده بودند او را نزد پزشک بردند و دکتر پیشنهاد کرد که عرق درمانی ۴۸ ساعته روی او اجرا کنند که آب اضافی بدنش خارج شود. او پس از آن که بهبود یافت دیگر هیچ وقت آب نخورد. ادعای ناراساما ممکن است نامعقول به نظر برسد اما چند ماه پیش به دانشمندان ثابت شد ادعای او راست است.

استفاده از سه چرخه به خاطر گرانی!



آدیتی سنترال/ استفاده از خودروهای سه چرخ «پشکا» در کشورهای آسیای میانه از جمله بنگلادش برای جابه جایی و حمل و نقل عمومی سابقه ای طولانی دارد اما تا چند وقت پیش، تعدادشان کاهش قابل ملاحظه ای در شهرها داشت. با این حال و در ماه اخیر با بروز مشکلات اقتصادی در این کشورها همچون گران شدن بنزین و خودروها استفاده از ریشکار رونق بیشتری گرفته است و مردم دوباره به آن ها تمایل شده اند.

افتتاح یک جاده جدید و عجیب در ژاپن، عکس از گاردین



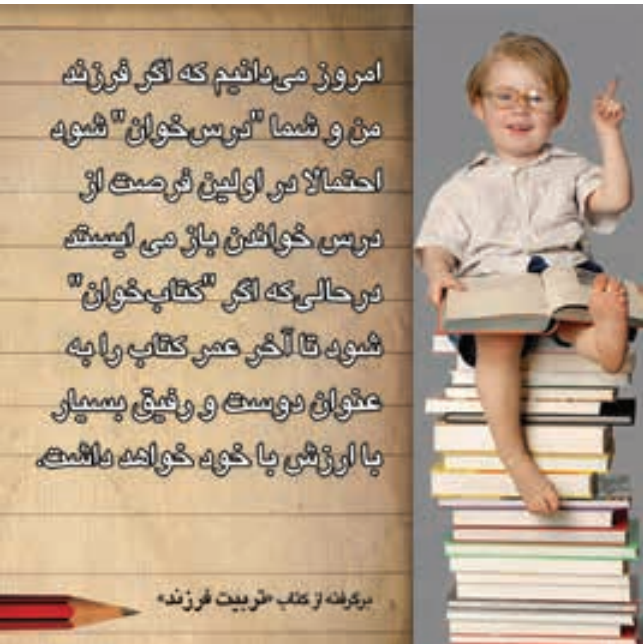
از شما

ر رمز محبوبیت موفقیت نیست!

روی صندلی کارم ولو شدم. صبح پاییزی سرد و مزرخفی بود. آن از آسانسور لعنتی که دایم خراب است و آن هم از تخم مرغ صبحانه که بیش از حد جوشیده بود. از باخت بدم می آید و در تمام زندگی دست به کاری زده ام تا همیشه برنده باشم. در دانشگاه حقوق خواندم و مرتب به کلاس های روابط اجتماعی رفتم و یاد گر فتم چطور اعتماد مردم را جلب کنم. وکیل موفقی شدم و با چند نفر دیگر یک شرکت حقوقی در مرکز شهر افتتاح کردیم. در موسسه حقوقی هرگز اجازه دخالت به کارکنانم در امور را نمی دهم و هیچ کس حق تعیین تکلیف ندارد و رئیس منم. علاوه بر کارکنان، مشتری ها هم اعصابم را خیلی خرد می کنند. فقط در همین ماه گذشته دو نفر از موکلانم به اتهام قصور در دفاع از من شکایت کردند. قبول دارم که در پرونده آن ها شکست خورده ام اما دلیل این امر فقط این بود که اعضای هیئت منصفه آن قدر دقیق نبودند که قصه های من در آن ها تاثیر گذارد. اعتراض ها به من خیلی شدت گرفته بود، نه تصمیم گرفتم نزد دوستم که روان شناس است بروم. او گفت: «تو مریض هستی». باورش برابم دشوار بود اما کمی به حرفش فکر کردم. سرانجام فهمیدم که در دنیا، آدم های بازنده خیلی بیشتر از آدم های برنده اند و اگر می خواهم محبوب و برنده باشم باید از شکست هایم درس بگیرم نه این که با آن ها بجنگم و قبول شان نکنم.

مخاطبان گرامی، شما هم می توانید مطالبتان را در تلگرام به شماره ۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید

بریده کتاب



داستانک محرمی

نگاه سنگین دخترک

از دسته زنجیر زنی بیرون آمد. تشنه بود. صدای نوحه می آمد: «تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده...».

پیرزنی برش های کوچک هندوانه را که وسط سینی مسی چیده بود برای نذری، بین زنجیر زنان آورد. تکه ای هم به او رسید. هندوانه را که نزدیک دهان برد، سنگینی نگاهی را احساس کرد. دختر کوچکی بود ایستاده در کناری، با نگاهی حسرت بار به او و هندوانه ای که دستش بود. هندوانه را به دست دختر سپرد. دخترک دندان هایش را در قاچ هندوانه فرو کرد و اشک شوق به چشمانش دوید...

فضای نوحه تغییر کرد. هنوز چشم از دخترک برنداشته بود که نوحه خوان شروع کرد: «با دو چشمان ترم، طفل عطشان در برم...».

محسن محمدی، برگرفته از خبرگزاری «برنا»

فتونکته



ماوشما

• متن های پرورنده دیروز که در کنار عکس شهدا بود، بی نهایت دلنشین بود. بی نهایت.

• عکس های وداع و تنهایی زیباترین عکس های صفحه دیروزتان بود.

• «زندگی سلام»، درباره اون جشن های عجیب می خواستم بگم که مگه هر کسی پول داره، باید خرج کارهای سیف و مضحک کنه؟ نمی دونه با این کار، پایه گذار یک رفتار غلط در جامعه میشه؟

• نظر «فالکنر» درباره زنان واقعا جالب بود. به نظرم می اومد شماها ضد زن باشید! ممنون که چاپش کردین.

• بازم از کتاب سفرنامه آقای دلآوری چاپ کتین، جالب بود واقعا.

• در کادر نوستالژی، جای ماشین اصلاح دستی قدیمی خیلی خالیه. همونی که اشک ما دهه شستی ها را در می آورد. پادش به خیر.

• ای کاش سرآشیز ستون آشنیزی تان در صفحه سلامت، کوکب خانم بود!

• اگه میشه داستانک محرمی دیگه چاپ نکنید. روضه است، شاید نشه حشش رو ادا کرد.

• خدایا، همه مون را حر کن تا رستگار شویم.

• همسر عزیزم علی جان به خاطر همه محبت ها و زحماتی که برای من و فرزندانمان می کنی ممنونم و یک دنیا دوستت داریم.

همسرو مادرت و فرزندانت رضافاطمه

• پسرم کیوان جان در روز تولدت از خداوند می خواهم که تقدیرت را چنان زیبا بنویسد که به جز لبخندت چیز دیگری را نداریم.

